

# مردم السالوادور فریاد مرگ بر آمریکا میدهند

قسمت اول

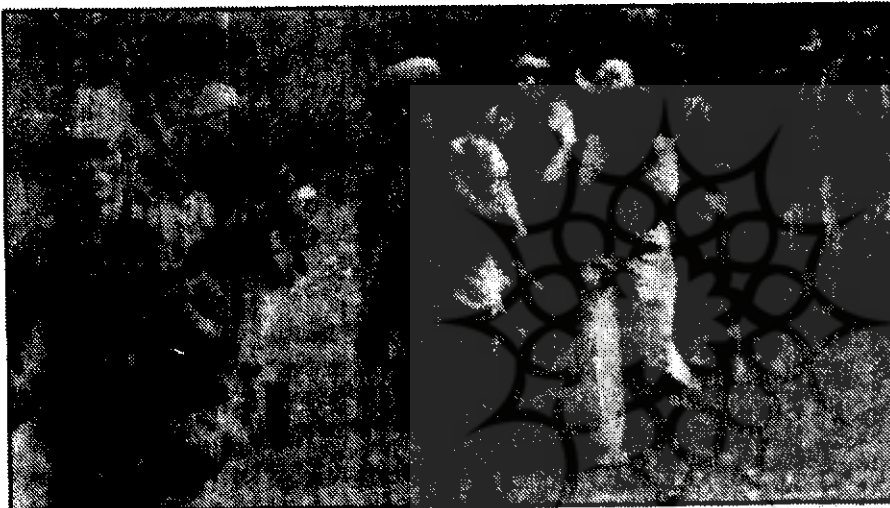
بعد از کمبیا و برزیل سومین صادرکننده قهوه در جهان است. به همان میزان که نفت عامل حیاتی و بسیار مهمی در خاورمیانه است قهوه نیز عامل بسیار مهم و ارزشمندی برای السالوادور محسوب شده و باعث ایجاد ناآرامیها در این کشور گردیده است. چریکها و مبارزان السالوادور نیز نقش مهم قهوه را درک کرده

سرزمینی آشفته‌سالی بوده و کوچکترین و بطور نسبی پرجمعیت ترین کشور در قاره امریکاست. السالوادور حدوداً ۴/۵ میلیون نفر جمعیت دارد. زبان اکثریت مردم این کشور اسپانیایی و مذهب اکثریت آنان کاتولیک می باشد. ۸۹٪ جمعیت آن را دورگه ها، ۱۰٪ را سرخپوستان و ۱٪ را سفیدپوستان تشکیل میدهند.

بسمه تعالی  
جهان صحنه نبرد نیروهای حق و باطل است، صحنه درگیری مقدسی است که سرانجام به حاکم شدن حق بر جهان می انجامد. در یکطرف این نبرد نیروهای باطل اند که استثمار می کنند، چپاول می کنند، غارت می کنند، به بندمی کنند و... و در طرف دیگر نیروهای حق اند که دفاع می کنند. مبارزه می کنند فداکاری و ایثار می کنند و برای استقلال و رهایی و آزادیگی تلاش می نمایند و...

در این میدان نبرد، مردم السالوادور سالهاست که به مبارزه بر علیه استثمارگران و استثمارگران برخاسته اند، و در این مسیر پر پیچ و خم مبارزه شکنجه دیده اند مجروح شده اند شهید داده اند و... ولی هرگز و هرگز تن به خواری و دلت نداده و تنگ بردگی غیر را پذیرا نشده اند.

اوج گیری مبارزات مردمی در السالوادور، شیطان بزرگ، آمریکا را بر آن داشته تا با تلاشهای مذبحخانه خویش به سرکوب مردم السالوادور پردازد، و در این روند به سلاحهای مجهز و غول آسا تکیه نماید، غافل از اینکه سلاح ایمان نیروهای مردمی مجهز تر و برنده تر از تمامی سلاحهای عریض و طویل و پیچیده



گروهی از چریکهای السالوادور به مصاف نیروهای نظامی این کشور در منطقه ناآرام شمال این کشور میروند.

به میزان بالا رفتن نفوذ انحصارات اقتصادی و سیاسی انگلیس و آمریکا، فقر، بدبختی، گرسنگی و فلاکت نیز مردم رو به فزونی می گذاشت.

پایتخت آن سان سالوادور با جمعیتی حدود ۶۰۰ هزار نفر است.

### موقعیت اقتصادی

السالوادور یکی از کشورهای فقیر دنیا و از نظر اقتصادی بسیار عقب مانده است. اقتصاد السالوادور بر پایه کشاورزی آن متکی بوده بطوریکه ۶۰٪ از مردم این کشور به کشاورزی مشغول می باشند، اقتصاد این کشور مانند تمام کشورهای وابسته تک محصولی بوده و عمده ترین محصول آن نیز قهوه می باشد، که

و با اتخاذ شیوه های گوناگون در صدند تمامان خروج قهوه از این کشور شوند، محصولات دیگری از قبیل پنبه - نیشکر برنج و ذرت و موز و... نیز از محصولات دیگر این کشور می باشد، آنچه مسلم است، این است که میزان تولیدات داخلی برای مصرف مردم کافی نبوده و بیشتر مواد غذایی از خارج وارد میشود.

طبق آمار سال ۱۹۷۱ تنها دو هزار مالک ۴۰٪ از مجموع ۲۰۰ هزار واحد کشاورزی و بهره برداری را در اختیار دارند، در حالیکه قریب ۱۳۰ هزار خرده مالک وجود دارد که زمینی کمتر از یک هکتار در اختیار دارند و مجموع اراضی آنها ۵٪ کل سطح زیر کشت را تشکیل میدهد. دهها سال است که حیات اقتصادی و سیاسی کشور در دست ۱۴ خانواده مرفه است. در حالیکه

جهاد

امپریالیستهاست.

اینبار و در ادامه بحث و آشنایی با مبارزات رهایی بخش به بررسی مبارزات مردم محروم السالوادور می پردازیم و ابتدا از موقعیت جغرافیایی السالوادور سخن آغاز می کنیم.

### موقعیت جغرافیایی

السالوادور کشوری به وسعت ۲۱۳۹۲ کیلومتر مربع واقع در امریکای مرکزی می باشد این کشور از یک طرف به هندوراس و گواتمالا و از طرف دیگر به اقیانوس آرام محدود می گردد.



جریکهای رزمنده السالوادور سلاحهای خود را به نمایش می گذارند

ایجاد فاجعه بیش از پیش گسترده میشد، سرمایه گذارهای خارجی ضربه های مهلکی را بر اوضاع اجتماعی این کشور وارد ساخت و در حقیقت میتوان گفت که روستاها به تسخیر فنودالها و زمیندارهای بزرگ با پشتوانه سازمانهای کشاورزی امریکائی در آمدند و شهرها نیز تحت انحصار صنعت وابسته و کمپانی ها و شرکت های ایالات ماحده قرار گرفتند.

پس از جنگ جهانی دوم مبارزات مردم و جنبشهای دهقانی بصورت گسترده و پراکنده در السالوادور بروز داده میشد. اولین قیام مهم مردم السالوادور در ۲۱ ژانویه ۱۹۳۲ اتفاق افتاد. در این قیام کارگران و کشاورزان نقش عمده را بازی می کردند. مردم در حالیکه داس و تبر در دست داشتند شروع به حرکت کرده و خواستار برکناری دیکتاتور السالوادور یعنی مارتیزاز رئیس جمهوری و دادن آزادیهای سیاسی اجتماعی و بهبود اوضاع اقتصادی کشور شدند.

**اساس طرح اتحاد برای پیشرفت که توسط «کنی» ارائه شده بود، براین بود که در کشورها امریکای لاتین گروههای میانه رو ولیرال را به قدرت برساند و از این طریق تسلط خویش را بر این کشورها حفظ کند.**

ولی هنوز چهار روز از اوج قیام نگذشته بود که ارتش مارتیز به سرکوبی تظاهر کنندگان پرداخت و زمزمه ها را که هنوز فریاد نشده بودند خاموش نمود.

در این قیام ۱۵۰۰۰ نفر کشته و بسیاری مجروح گردیدند. این قیام بدلیل اینکه از شهر ایزالکو شروع شده بود به قیام ایزالکو معروف است. از ویژگیهای این قیام این بود که لبه تیز آن متوجه زمینداران بزرگ و فنودالها بود. دیکتاتور مارتیز که خود حافظ منافع اشراف و زمینداران السالوادور بود توسط آیدیش به سرکوب این قیام پرداخت و رهبران جنبش را پس از دستگیری در میادین شهر به دار آویخت و گروههای سرخپوست را در دسته های ۵۰ نفری به رگبار بست و شقاوت و جنایت را به اوج رساند.

اگر چه در طول تاریخ نهضت‌ها جنبشها توسط دیکتاتورها و مستبدین سرکوب شده و می شوند ولی همواره آثار و تجربیات آنان بجای مانده و می ماند. حرکت های انقلابی و استقلال طلبانه مردم السالوادور نیز از این قانون مستثنی نبوده و با استفاده از تجربیات پیشین در تداوم مبارزات آنان بود که در سال ۱۹۴۴ و در شرایطی که جنگ جهانی دوم امپریالیست ها را دچار نارسائی کرده بود دیکتاتور حاکم (هرناندز مارتیز) سقوط کرد. سقوط مارتیز و کنار رفتن او هر چند که یک پیروزی محسوب میشد اما مانع از ادامه حکومت خانواده ۱۴ فامیل نشد و این بقیه در صفحه ۷۰

السالوادور دست استعمارگران اسپانیایی را از مملکت کوتاه نمودند.

ولی هنوز چندی از استقلال ظاهری نگذشته بود که جنگالهای پنهان استعمار در شکل جدیدتری جایگزین استعمار کهن گشته و با بازیگران استعمارگر باماسک دیگری به این سرزمین راه یافتند.

در سال ۱۸۴۱ بر قدرت امریکا با گماردن دیکتاتورها و حاکم کردن آنان بر سر نویت مردم مستضعف السالوادور بار دیگر خفقان و دیکتاتوری را در این کشور به اوج رساند و به سرکوب نهضت ها و جنبشهای استقلال طلبانه مردم السالوادور پرداخت. یکی از دیکتاتورانی

**\* السالوادور یکی از کشورهای فقیر دنیا و از نظر اقتصادی برپسایه کشاورزی خود متکی بوده است.**

که طولانی ترین دوران سیاه را بر مردم السالوادور تحمیل کرد ژنرال مارتیز بود. وی به سرکوب جنبش بومیان پرداخت و السالوادور را از جامعه ملل خارج نمود.

و دروازه های کشور را به روی استعمارگران انگلیسی و امریکایی گشود. به میزان بالا رفتن نفوذ انحصارات اقتصادی و سیاسی انگلیس و امریکا فقر - گرسنگی - بدبختی و فلاکت مردم نیز رو به فزونی نهاد و

مصرف گوشت در میان طبقات محروم صفر است و بیش از ۹۵٪ مردم از حداقل تسهیلات بهداشتی محرومند و میزان مرگ و میر بر اثر بیماری یا گرسنگی در میان کودکان کمتر از ۵ سال به ۵۰٪ میرسد.

صنعت در السالوادور در درجه دوم اهمیت قرار دارد و صنعت نیز صنعتی وابسته به غرب می باشد. در دهه سالهای ۶۰ و پس از ایجاد بازار مشترک امریای مرکزی صنایع متنوعی در السالوادور از میزان رشد بسیار زیادی برخوردار بوده است. بطور کلی ۸۰٪ سرمایه گذارهای خارجی در السالوادور متعلق به امریکا و بقیه وابسته به سایر کشورهای امپریالیستی می باشد

**مبارزه با استعمار در السالوادور**

مبارزات رهایی بخش مردم السالوادور از دوران مبارزه با استعمار اسپانیا شکل گرفته است. اسپانیایی های متجاوز در سال ۱۵۲۴ میلادی از راه مکزیک وارد این کشور شدند و به تاخت و تاز پرداختند. بومیان و در حقیقت سرخپوستان ساکن در این کشور به مقابله ای دلیرانه با آنان پرداختند ولی بدلیل تفرقه ای که بین قبایل خودشان بروز کردند نتوانستند مانع ورود اسپانیایی ها شوند. و اسپانیا این کشور را بصورت مستعمره خود تبدیل نمود.

نخستین جنبش در السالوادور در سال ۱۸۱۱ آغاز شد و تا سال ۱۸۱۴ ادامه داشت. و در ادامه آن نیز مبارزات مردم السالوادور گاه بصورت پراکنده و گاه متشکل تر وجود داشته تا سرانجام در سال ۱۸۴۱ و پس از سه قرن مستعمره بودن، السالوادور نیز همراه با سایر ممالک امریکایی مرکزی، به استقلال دست یافت و مردم

**جهاد**

## مردم السالوادور.....

خانواده همچنان به حاکمیت خود بر مردم فقر زده و مردم السالوادور ادامه میدادند.

در سال ۱۹۶۰ شورای حکومتی متشکل از افسران آزادیخواه که وابسته به حزب انقلابی اقدام ملی بودند کودتایی علیه رئیس جمهور وقت (خوزه ماریالموس که بعد از مارتیز به حکومت رسیده بود) انجام داده و خود قدرت را بدست گرفتند. حکومت جدید، خود را طرفدار کاسترو معرفی می کرد و به همین دلیل با مخالفت‌های وسیع ۱۴ فامیل (۱) روبرو شد. این حکومت بدلیل ضعفهای زیادی که بر آن حاکم بود بیش از سه ماه دوام نیاورد و در ۱۵ ژانویه ۱۹۶۰ جای خود را به یک هیئت نظامی - غیر نظامی داد.

رژیم جدید برای ابقای خود دست به یکسری اقدامات اصلاحی زده که از آن جمله میتوان به اوضاع مالی، جلوگیری از خروج بی رویه ارز به خارج و... را نام برد. در همین سالها بود که «کندی» برای حفظ منافع آمریکا در آمریکای لاتین و مرکزی و برای جلوگیری از نفوذ انقلاب کوبا طرح «اتحاد برای پیشرفت» را ارائه میدهد. این طرح توسط کندی رئیس جمهور وقت آمریکا بوجود آمده بود و سعی و کوشش را بر این گذارده بود که در آمریکای لاتین گروههای میانه رو و لیبرال را به قدرت رسانده تا از این طریق اولاً از شدت خصم و انفجار مردم در رنج و ستم کاسته و مانع از انقلاب آنان شود و با دست زدن به یکسری اصلاحات ظاهری و قدرتمند نمودن آبادی خویش، موقعیت خویش در آن کشور تثبیت

نماید. و ثانیاً راه را برای هر چه بیشتر پر نمودن جیب شرکتهای چند ملیتی و وابسته کردن هر چه بیشتر کشور بادردهای کمتری باز کند. بدلیل همسو بودن حکومت جدید با آمریکا، ایالات متحده از آن حمایت کرده و امریکن بانک وام اقتصادی قابل توجهی به آنان پرداخت، اما چون رژیم سه ماهه وابسته به حزب اقدام ملی توانسته بود تا حدی روحیه ضد استثماری را در مردم بوجد آورد و از طرف دیگر چون بار انقلاب کوبا با سوازیه سیاسی و فکری در آمریکای لاتین بهم خورده بود، مردم محروم السالوادور ساکت ننشسته و بنای مخالفت را با حکومت جدید گذاردند. رژیم هم برای سرکوب نیازهای مردم به مآجرهای تازه ای دست زد که از آنجمله کاهش قیمت اجاره خانه ها - پرداخت به موقع دستمزدها و ملی کردن بانک مرکزی بود.

پس از مدتی و در سال ۱۹۶۲ «سرهنگ ریوهر» فرمانده شورای مزبور خود را نامزد ریاست جمهوری نموده و در حالی که هیچ حزب دیگری حق شرکت در انتخابات را نداشت با حمایت سخاوتمندانه آمریکا و جاسوسانش در انتخابات پیروز شد و برای ۵ سال بر مسند قدرت نشست پس از او نظامی دیگری بنام «هرناندز» از سال ۶۸ تا ۷۲ بر مردم حکومت می کرد. رئیس جمهورهای بعدی هم جز به اصلاحاتی که بتواند - کت و رضایت کاذب مردم را جلب کند عمل دیگری انجام ندادند. از جمله در حکومت «آرماندو مولینا» تمامی تبلیغات و اصلاحات هیچ اثری مگر هر چه بیشتر به بند کشیده شدن مردم را نداشت.

پس از او (در سال ۱۹۷۵) وقتی ژنرال «رومرو» با پشتیبانی گارد ملی و دستگاه پلیسی و سازمانهای مشابه دیگر قدرت رسید، قتلهای سیاسی توسط سازمانها و احزاب وابسته به آمریکا به اوج خود رسید. رومرو پس از رسیدن به قدرت حمامهای خون به راه انداخت و به سرکوب مردم و مبارزان پرداخت. بعنوان مثال در سال ۱۹۷۹ بیش از هشتصد زندانی سیاسی زیر شکنجه جان خود را از دست دادند، خشونت در السالوادور تا جایی رسید که آمریکا تصمیم گرفت که برای فریفتن مردم به تعویض مهره ها دست بزند و بر همین اساس در سال ۱۹۷۹ با یک کودتای نظامی، رژیم رومرو را سرنگون ساخته و گروهی از افسران جوان برهبری کلنل ماخانو را بر مسند قدرت می نشاند ولی از آنجایی که اینگونه رژیمها هرگز به ثبات سیاسی دست نمی یابند پس از مدتی ماخانو نیز کنار گذارده میشود و اینبار شورای مشترک نظامی و غیر نظامی زمام امور را در دست می گیرد که این شورا بدستور سیستم «سیا» روی کار آمد و در تمام طول عمرش بدون مشورت با دانشگن و کاخ سفید کاری انجام نداد. ادامه دارد.

۱- چهارده فامیل خانواده هایی هستند که نامشان بر سردر ساختمانهای دارای تهریه مطبوع و بانکها و شرکتهای تجاری و کمپانیهای بیمه شهرستان السالوادور نوشته شده است ۱۴ فامیل صاحب مزارع بسیار وسیع قهوه و بنسبه در ایالات مختلف السالوادور بوده و اختیارات حیات اقتصادی و سیاسی السالوادور را در دست دارند و سالیهاست که مانع استقلال واقعی مردم السالوادور هستند

## مترفین سوڈاگران

- (۳) روش تفسیر قرآن، علی تهرانی، ص ۱۹۵
- (۴) - سوره قصص آیه ۲۰
- (۵) سوره هود آیه ۳۸ و قصص آیه ۲۰
- (۶) نهج البلاغه، صبحی الصالح ص ۲۹۵
- (۷) کلاً ان الانسان لیطغی ان راه استغنی، چنین است، همانا انسان طغیان می ورزد، و آنچه که خود را در غنا و ثروت می بیند،
- (۸) برای پی بردن به مصادیق امروزی این آیه در اجتماعات، به سوره مقاله «جهاد»
- شماره ۲۲ تحت عنوان «تروریزم اقتصادی» مراجعه فرمائید.

- (۹) رجوع شود به کتاب انسان متعهد و تاریخ ساز، سید محمد باقر صدر - بخش ۴
- (۱۰) - مفسرین سرپیچی (مترفین) از فرمان و نصایح پیامبران را فسق می دانند، میزان جلد ۱۳ ص ۶۴ و روش تفسیر قرآن ص ۱۹۵
- (۱۱) برای دریافت بیشتر مطلب به سرمقاله «جهاد» شماره ۲۲ - تحت عنوان تروریزم اقتصادی» مراجعه کنید
- (۱۲) همچنین نگاه کنید به آیه ۱۱۵ سوره انعام
- (۱۳) جمع آوردن فعل «آردنا» «آمرنا» و «دمرنا»

خود دلالتی بر این موضوع است ضمن اینکه علامه طباطبائی در میزان تصریح کرده اند، که امر خداوند، در این آیه امر تشریحی نیست، بلکه امر تکوینی است، میزان جلد ۱۳ ص ۶۳ (عربی)

(۱۴) بعضی از مفسرین در این رابطه «فسق» را سرپیچی اشراف از نصایح و دستور انبیاء و خروج از حاکمیت احکام الهی، عصیان دشمنی با نذیران دانسته اند، میزان جلد ۱۳ ص ۶۲-۶۳

۶۴ و روش تفسیر قرآن ص ۱۹۵ و ۱۹۶